کیهان

یکشنبه اول شهریور ۱۴۰۵ □ ۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ □ ۲۳ آگوست ۲۰۲۶ □ شماره ۲۴۲۱۶

اذان ظهر: ۱۲/۰۷، اذان مغرب: ۱۹/۰۳، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۲، اذان صبح(فردا): ۴/۰۱، طلوع آفتاب(فردا):۵/۳۰

مانع تراشی آمریکا مقابل انگلیس برای ممانعت از رسیدگی به پرونده اپستین

گزارش‌ها نشان می‌دهد با مانع تراشی آمریکا تحقیقات پلیس انگلیس درباره ارتباط مقامات سابق لندن با «جفری اپستین» مجرم معروف جنسی متوقف شده است.

ماجراهای مرتبط با رسوایی «جفری اپستین» و جزیره فحشای وی همچنان در اروپا و آمریکا ادامه دارد. در خبری جدید روزنامه انگلیسی تلگراف نوشته است: تحقیقات پلیس «بریتانیا» درباره احتمال انتقال اطلاعات محرمانه دولتی از سوی «پیتر ماندلسون»، سفیر سابق انگلیس در آمریکا به جفری اپستین، در آستانه متوقف‌شدن قرار گرفته است. به گزارش تسنیم به نقل از تلگراف، پلیس لندن معتقد است وزارت دادگستری آمریکا احتمالاً فایل‌های کامل و بدون سانسور پرونده اپستین را در اختیار بریتانیا قرار نخواهد داد؛ اسنادی که پلیس آنها را برای طرح اتهام علیه ماندلسون ضروری می‌داند. پلیس لندن پیش‌تر درخواست خود را از مسیر غیررسمی مطرح کرده بود و پس از بی‌پاسخ ماندن آن، موضوع را از طریق روند رسمی همکاری قضایی میان دو کشور پیگیری کرد؛ روندی که ممکن است- به نوشته این روزنامه- سال‌ها طول بکشد.

لبنان از آغاز تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران ۴ هزار و ۳۴۸ شهید تقدیم کرده است

وزارت بهداشت لبنان در گزارشی اعلام کرد از دوم مارس ۲۰۲۶ (۱۱ اسفند ۱۴۰۵ و بعد از آغاز جنگ علیه ایران) تاکنون، ۴ هزار و ۳۴۸ نفر در لبنان شهید و ۱۲ هزار و ۳۰۷ نفر نیز مجروح شدند.

طبق تازه‌ترین گزارش وزارت بهداشت لبنان، از اکتبر ۲۰۲۳ (مهر ۱۴۰۲) تاکنون ۸ هزار و ۹۱۵ نفر در حملات رژیم صهیونیستی شهید و ۳۰ هزار و ۵۴۳ نفر هم مجروح شدند. این وزارتخانه افزود: از دوم مارس ۲۰۲۶ (۱۱ اسفند ۱۴۰۵ و بعد از آغاز جنگ علیه ایران) تاکنون، ۴ هزار و ۳۴۸ نفر در لبنان شهید و ۱۲ هزار و ۳۰۷ نفر مجروح شدند. این آمار در شرایطی اعلام شده است که ارتش رژیم با ادامه نقض آتش‌بس و حملات به جنوب لبنان، این منطقه را هدف حملات هوایی، توپخانه‌ای و انفجارهای کنترل‌شده قرار داد. باز هم خبر می‌رسد رژیم از بمب‌های ممنوعه فسفری در نبطیه استفاده کرده است.

امسال گرما در اروپا جان ۳۰ هزار نفر را گرفته است

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که از آغاز تابستان حداقل ۳۰ هزار نفر در اروپا و بر اثر گرما جان خود را از دست داده‌اند.

تابستان امسال، اروپا با دو بحران مرتبط به هم یعنی گرما و آتش‌سوزی دست به گریبان بوده است. براساس داده‌های سامانه اطلاعات آتش‌سوزی جنگل‌های اروپا (EFFIS) و مرکز تحقیقات مشترک کمیسیون اروپا، تا اوت (مرداد ماه) حدود ۵۶۷،۰۹۷ هکتار در قلمرو اتحادیه اروپا تحت تأثیر آتش‌سوزی قرار گرفته است. برای مقایسه، میانگین ۲۰ساله در همین مقطع از سال (۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵) حدود ۲۴۳،۱۸۹ هکتار بوده؛ بنابراین رقم آتش‌سوزی امسال بیش از ۲.۳ برابر میانگین بلندمدت است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که آتش‌سوزی‌ها در فرانسه، اسپانیا و بلژیک هزاران هکتار از اراضی جنگلی را سوزانده و نابوده کرده است. افزایش دمای غیرعادی در اروپا جدای از نابودکردن ده‌ها هزار از اراضی جنگلی این قاره، تلفات انسانی بسیار بالایی هم بر جای گذاشته است. به گزارش روزنامه اتریشی استاندارد، آمارها نشان می‌دهد که حداقل ۳۰ هزار مرگ در اروپا از آغاز تابستان بر اثر گرمای شدید رقم خورده است. تعداد قابل‌توجهی از مرگ‌ومیرهای مرتبط با گرما در پایان ژوئن و آغاز ژوئیه(خرداد-تیر) رخ داده است. براساس این گزارش و طبق آمار اولیه پلتفرم نظارتی «یورومو»، تنها بین اواسط جولای و اواسط آگوست(۲۴ تیر تا ۲۴ مرداد)، بیش از ۳۲ هزار مرگ‌ومیر اضافی در اروپا رخ داده است.

به نوشته «استاندارد» اگرچه شبکه یورومو، که توسط آژانس بهداشتی اتحادیه اروپا و سازمان بهداشت جهانی (WHO) پشتیبانی می‌شود، آمار مرگ‌ومیر را براساس کشور منتشر نمی‌کند، مقامات بهداشت ملی کشورهای مختلف ارقام اولیه را برای دوره‌های مشابه، منتشر کرده‌اند. تحلیلی از این ارقام توسط خبرگزاری فرانسه نشان می‌دهد که ۳۳ هزار مورد مرگ اضافی یا مرگ‌هایی که مستقیماً با گرما مرتبط بوده‌اند، تنها در هشت کشور اتریش، آلمان، بلژیک، انگلستان، فرانسه، هلند، پرتغال و اسپانیا رخ داده است. مؤسسه رابرت کخ هم روز پنجشنبه اعلام کرد، تنها در آلمان، تخمین زده می‌شود که ۱۴۰۰۰ نفر در تابستان امسال بر اثر عوامل مرتبط با گرما جان خود را از دست داده‌اند. طبق گزارش روزنامه استاندارد اتریش به نقل از یورومو، به‌خصوص هفته آخر ژوئن(تیر) تعداد بسیار بالایی از مرگ‌ومیر در اروپا بر اثر گرما، با ثبت ۱۶ هزار مورد مرگ‌ومیر اضافی اتفاق افتاد. هفته اول ژوئیه(تیر) با حدود ۸ هزار مورد مرگ‌ومیر دنبال شد. هر دو هفته با موج گرمای شدید همزمان بودند. براساس این گزارش، قرار است تخمین‌های یورومو در هفته‌های آینده اصلاح شود. بنابراین، احتمالاً تعداد کل مرگ‌ومیرهای اضافی نیز تغییر خواهد کرد. در این بررسی، فقط آمار رسمی ۲۳ کشور اروپایی، به استثنای بخش‌هایی از اروپای شرقی، در نظر گرفته شده است.

میراث مرگبار جنگ جهانی

از سوی دیگر گزارش‌ها حاکی است آتش‌سوزی‌های گسترده و خشکسالی در اروپا با آشکار کردن بمب‌ها و مین‌های به‌جامانده از جنگ‌های جهانی اول و دوم، تهدیدی تازه برای نیروهای امدادی و ساکنان مناطق آسیب‌دیده ایجاد کرده است.

خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی در همین زمینه نوشته است: آتش‌سوزی‌های گسترده‌ای که تابستان امسال در سراسر اروپا رخ داده‌اند، تهدیدی بالقوه مرگبار را در زیر زمین‌های سوخته آشکار کرده‌اند: بمب‌ها و مین‌های زنگ‌زده به‌جامانده از جنگ‌های جهانی اول و دوم که جان نیروهای درگیر در مهار آتش را تهدید می‌کنند. به گزارش ایرنا به نقل از آسوشیتدپرس برخی از این تسلیحات در اثر گرمای شدید منفجر شده‌اند. مواردی از انفجار در فرانسه، بلژیک، آلمان و هلند گزارش شده است. در هلند نیز یک گروه خنثی‌سازی بمب برای بررسی جنگلی اعزام شد که در نزدیکی محل یکی از نبردهای شدید سال ۱۹۴۴ در استان لیمبورخ، در معرض خطر آتش‌سوزی قرار داشت. در این گزارش آمده است: خشکسالی همچنین با کاهش سطح رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، به آشکار شدن بقایای جنگ‌های گذشته کمک کرده و تسلیحات قدیمی را از زیر آب بیرون آورده است. در اسلواکی، سطح رود دانوب پایین آمد و دو مین دریایی را آشکار کرد. پلیس این مین‌ها را از آب خارج و برای انفجار کنترل‌شده در یک گودال دفن کرد. در مجارستان نیز مقام‌ها پل مارگارت بوداپست را پس از آنکه یک بمب متعلق به دوران جنگ جهانی دوم در پایه پل و در میان آب‌های عقب‌نشسته نمایان شد، بستند.

گزارش خواندنی پولیتیکو

«فشار حداکثری» ترامپ به ایران کمانه کرد آمریکا زیر کوه بدهی ۴۰ تریلیون دلاری

سرویس خارجی-

نشریه آمریکایی با اشاره به تغییر راهبرد آمریکا مقابل ایران از «نظامی» به «فشار حداکثری اقتصادی» نوشته است که، این راهبرد فشار مضاعفی بر بازارهای مالی خود آمریکا وارد کرده و وزارت خزانه‌داری این کشور را زیر کوهی از بدهی قرار داده است.

جنگ آمریکا علیه ایران در ۶ ماهگی خود به بن‌بست کامل رسیده است. اهداف متجاوز از جنگ محقق نشده، ایران پیروز شده و به نوشته رسانه‌های آمریکایی و برخلاف ادعای ترامپ، ایران بخش زیادی از توان موشکی و پهپادی خود را حفظ کرده است. از سوی دیگر ایران همچنان قدرت مسلط در تنگه هرمز است و به نوشته رسانه‌های خود آمریکا ترامپ بارها ایران را تهدید کرده و سپس از تهدیدات خود عقب نشسته است و به همین دلیل دیگر کسی او را جدی نمی‌گیرد. در داخل آمریکا هم عصبانیت افکار عمومی از جنگی که ترامپ به راه انداخته روزبه‌روز بیشتر می‌شود. گزارش‌ها حاکی است کمتر از ۳ ماه مانده به انتخابات میاندوره‌ای کنگره نشانه‌های شکست ترامپ و حزب جمهوری‌خواه عیان شده است. براساس گزارش‌ها ۴۵ نامزد منتقد رژیم اسرائیل و مخالف لابی آیپک طی ماه‌های اخیر در رقابت‌های مقدماتی مجلس نمایندگان و سنای آمریکا پیروز انتخابات شده‌اند. از سوی دیگر تاکنون ۱۰ نامزد مورد حمایت ترامپ در انتخابات‌های ۲۰۲۶ شکست خورده‌اند. ترامپ خود نیز از این وضعیت وحشت‌زده است. او به جمعه‌شب به وقت محلی در یک تجمع انتخاباتی در کارولینای جنوبی هشدار داد اگر جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای سال ۲۰۲۶ شکست بخورند، دموکرات‌ها دلیلی برای استیضاح او پیدا خواهند کرد.

رئیس‌جمهوری آمریکا که با پیامدهای اقتصادی جنگ و افزایش قیمت انرژی دست‌وپنجه نرم می‌کند، ادعا کرد که قیمت انرژی پس از پایان جنگ علیه ایران کاهش خواهد یافت. اظهارات دونالد ترامپ درباره احتمال استیضاح خود در صورت شکست، با واکنش گسترده کاربران فضای مجازی روبه‌رو شده است. بخش قابل‌توجهی از انتقادها متوجه جنگ آمریکا با ایران است. منتقدان معتقدند ورود واشنگتن به جنگی طولانی و پرهزینه، بدون دستیابی به یک نتیجه روشن، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی سنگینی برای مردم آمریکا ایجاد کرده است.

آمریکا نخستین قربانی ترامپ

شکست راهبرد نظامی ترامپ مقابل ایران او را به تغییر راهبرد و بازگشت به راهبرد فشار حداکثری اقتصادی مجبور کرده است. رئیس‌جمهور آمریکا چهارشنبه‌شب گذشته به وقت ایران با انتشار پستی در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» با وعده «جنگ اقتصادی و انزوای بی‌سابقه» علیه ایران هشدار داد هر کشوری که از طریق نهادهای مالی، شرکت‌ها، فرودگاه‌ها یا نهادهای دولتی خود «هر نوع راه نجاتی» در اختیار ایران قرار دهد، با پیامدهای اقتصادی سنگین آمریکا روبه‌رو خواهد شد. با این وجود، رسانه‌ها و کارشناسان آمریکایی بر این باورند که این سیاست هم شکست خواهد خورد و ایران همچون گذشته قرار نیست مقابل فشارها تسلیم شود.

از سوی دیگر به نوشته فایننشال‌تایمز تبعات اقتصادی تشدید تنش‌ها علیه ایران با افزایش بهای نفت و انرژی، به بازارهای مالی آمریکا و اروپا سرایت کرده و نرخ بهره وام‌های مسکن را در برخی از بزرگ‌ترین اقتصادهای غربی افزایش داده است؛ روندی که به افزایش هزینه استقراض و سنگین‌تر شدن اقساط خانوارها منجر شده است. نتایج تهدیدهای ترامپ برای اعمال شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران نیز از یک روز بعد از آن و در بازارهای خود آمریکا آشکار شد. پس از تهدیدهای اقتصادی ترامپ قیمت نفت خام در بازارهای جهانی صبح پنجشنبه به بالاترین سطح تقریباً یک ماه اخیر رسید. نفت برنت به عنوان شاخص جهانی قیمت نفت هم از ۹۳ دلار در هر بشکه عبور کرد. روز جمعه هم قیمت این محصول به ۹۴ دلار رسید. همزمان، بازارهای سهام آمریکا بدترین عملکرد خود در سه هفته گذشته را ثبت کردند. شاخص صنعتی داو جونز روز پنجشنبه ۷۰۳.۸۴ واحد، معادل ۱.۳۲ درصد، کاهش یافت و در سطح ۵۲ هزار و ۷۵۹.۲۱ واحد بسته شد. شاخص اس‌اندپی ۵۰۰ نیز ۰.۸۷ درصد افت کرد و در ۷ هزار و ۶۴۱.۱۶ واحد قرار گرفت.

بدهی ۴۰ تریلیون دلاری

پنجشنبه اتفاق دیگری نیز رخ داد و رسانه‌های آمریکایی بامداد پنجشنبه از رسیدن میزان بدهی داخلی دولت آمریکا به ۴۰ هزار میلیارد (تریلیون) دلار خبر دادند. داده‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا نشان می‌دهد که کل بدهی ملی آمریکا برای اولین‌بار در تاریخ این کشور از ۴۰ هزار میلیارد دلار فراتر رفته است. براساس گزارش‌ها، این رقم در مقایسه با دوره اول ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ» در سال ۲۰۱۷ که حدود ۲۰ هزار میلیارد دلار بود، افزایش دو برابری را تجربه کرده است. ترامپ در آن ایام گفته بود اگر بدهی آمریکا به ۲۴ تریلیون دلار برسد، باید فاتحه آمریکا را خواند!

رسانه آمریکایی پولیتیکو هم با اشاره به خروج گسترده مقام‌های ارشد وزارت خزانه‌داری آمریکا و افزایش مسئولیت‌های اسکات بسنت در جنگ با ایران، هشدار داد این وزارتخانه در شرایطی حساس و تحت فشار قرار گرفته است. به گزارش فارس به نقل از پولیتیکو، از آغاز دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ تاکنون ۷ مقام ارشد منصوب‌شده با تأیید سنا، از جمله معاون وزیر، مشاور حقوقی، مسئول ارشد تحریم‌ها و رئیس سازمان مالیاتی آمریکا، وزارت خزانه‌داری را ترک کرده‌اند. علاوه بر این، از فوریه ۲۰۲۵ تا پایان ژوئن ۲۰۲۶ (اسفند ۱۴۰۴ تا خرداد ۱۴۰۵) نیز ۴۰ منصب سیاسی دیگر که نیازمند تأیید سنا نبودند، از این وزارتخانه خارج شده‌اند. پولیتیکو تأکید می‌کند این خروج‌ها در شرایطی رخ داده که خزانه‌داری آمریکا همزمان مسئولیت‌های سنگینی برعهده دارد؛ از مدیریت بدهی دولت و ثبات بازارهای مالی گرفته تا اجرای سیاست‌های مالیاتی، اعمال تحریم‌ها و مدیریت دیپلماسی اقتصادی.

آن‌طور که پولیتیکو نوشته است تحولات جنگ با ایران فشار مضاعفی بر بازارهای مالی آمریکا وارد کرده است. بازده اوراق بلندمدت دولت آمریکا به سطوحی رسیده که در نزدیک به دو دهه گذشته سابقه نداشته است. افزایش قیمت نفت ناشی از جنگ، حجم بالای بدهی آمریکا و رقابت برای جذب سرمایه جهت توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی، از عوامل مؤثر بر افزایش نرخ‌ها عنوان شده‌اند. پولیتیکو همچنین گزارش داده که بسنت باید همزمان با جنگ اقتصادی علیه ایران، با آشفتگی بازار اوراق قرضه و حجم عظیم بدهی دولت آمریکا نیز مقابله کند؛ آن‌هم در شرایطی که تعداد مقام‌های ارشد حاضر در وزارتخانه برای مدیریت این بحران‌ها کاهش یافته است. در بخش دیگری از گزارش، «الکس زردن»، مقام سابق خزانه‌داری آمریکا، هشدار داده است که خروج نیروهای باتجربه باعث شده این وزارتخانه دیگر از ظرفیت کامل تخصص کارشناسان باسابقه و مدیران ارشد مورد تأیید سنا برای اعمال فشار حداکثری علیه ایران برخوردار نباشد. پولیتیکو در نهایت تصویری از وزارت خزانه‌داری ارائه می‌دهد که همزمان باید جنگ اقتصادی علیه ایران، ثبات بازارهای مالی آمریکا و بحران بدهی دولت را مدیریت کند، اما با کاهش شمار مدیران و مقام‌های ارشد خود مواجه است.

اتلاف پول مالیات مردم آمریکا

رهبر اقلیت دموکرات مجلس نمایندگان آمریکا هم با انتقاد شدید از تداوم جنگ‌افروزی کاخ‌سفید علیه جمهوری اسلامی ایران، این اقدامات را «عملیات شکست حماسی» و فاجعه‌ای برای ملت آمریکا توصیف کرد. به گزارش ایسنا، «حکیم جفریز»، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس خواستار توقف هزینه‌کرد دلارهای مالیات‌دهندگان آمریکایی توسط دولت دونالد ترامپ برای جنگ‌های بی‌پایان خاورمیانه و اختصاص آن به بهبود معیشت شهروندان آمریکایی شد. به گزارش الجزیره، حکیم جفریز با تأکید بر ضرورت تغییر رویکرد واشنگتن در قبال منطقه غرب آسیا خاطرنشان کرد: «دلارهای مالیات‌دهندگان آمریکایی باید صرف کاهش هزینه‌های زندگی و بهبود شرایط معیشتی شهروندان شود، نه آنکه برای تداوم یک جنگ بی‌پایان دیگر در خاورمیانه هدر رود.»

کیهان عیار اعتراض غرب علیه اسرائیل را بررسی می‌کند

جنایات هولناک نتانیاهو در فلسطین میان اعتراض‌های خنثی و دیرهنگام اروپا

سرویس خارجی-

در حالی که از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) تاکنون رژیم صهیونیستی نسل‌کشی خود علیه فلسطینیان را آغاز کرده و روزبه‌روز بر شدت توحش خود علیه غیرنظامیان می‌افزاید؛ کشورهای غربی به تازگی اقدام به گرفتن مواضع خنثی و نمادین در این زمینه کرده‌اند.

در حالی که آمارهای وزارت بهداشت فلسطین حکایت از ادامه جنایت سازمان‌یافته در غزه دارد، به تازگی موجی از اعتراضات نمادین از سوی مقامات سابق و فعلی کشورهای غربی علیه سیاست‌های رژیم صهیونیستی شکل گرفته، اما این مواضع، که عمدتاً دیرهنگام و فاقد پشتوانه اجرایی است، بیش از آنکه نشانه تغییر رویکرد باشد، بیانگر سرخوردگی غرب از استانداردهای دوگانه خود در قبال نقض فاحش حقوق بین‌الملل و تلاشی برای کسب وجهه عمومی است.

کارزار خونین در سکوت رسانه‌ای غرب

آمارهای رسمی حاکی از آن است که موج اخیر حملات هوایی و توپخانه‌ای رژیم صهیونیستی به مناطق مسکونی غزه، دست‌کم دو شهید و چهار مجروح بر جای گذاشته است. طبق اعلام وزارت بهداشت غزه، از زمان نقض «آتش‌بس» سال گذشته، تاکنون یک هزار و ۲۸۵ فلسطینی به شهادت رسیده و ۴ هزار و ۲۵۲ نفر مجروح شده‌اند. این در حالی است که آمار کلی و رسمی قربانیان این نسل‌کشی از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون به ۷۳ هزار و ۴۱۹ شهید و ۱۷۴ هزار و ۳۶۴ مجروح رسیده است.

همزمان با تشدید محاصره، یک مقام فلسطینی در نوار غزه هشدار داد بیش از ۳۵۰ هزار بیمار در این منطقه نیاز مبرم به دارو دارند، اما میزان ورودی اقلام دارویی و درمانی به وضوح کمتر از آن است که بتواند نیازهای فعلی را پوشش دهد. وی تأکید کرد در صورت عدم ورود کمک‌های پزشکی، وضعیت بهداشتی غزه به مرحله بسیار خطرناکی خواهد رسید. در کرانه باختری نیز یورش شبانه‌روزی نظامیان صهیونیست ادامه دارد. طبق گزارش خبرگزاری وفا، تنها طی روز گذشته چهار فلسطینی در الخلیل، دو تن در جنین و یک تن دیگر در نابلس بازداشت شده‌اند.

نامه سرگشاده دیپلمات‌های غربی

در تازه‌ترین واکنش‌ها به سیاست‌های رژیم صهیونیستی در کشتار فلسطینیان، بیش از یکصد تن از دیپلمات‌های ارشد سابق فرانسوی و انگلیسی، شامل سفیران اسبق در سازمان ملل و مدیران پیشین خاورمیانه در وزارت خارجه این کشورها، در نامه‌ای سرگشاده به امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و اندی برنام، نخست‌وزیر انگلیس هشدار دادند فلسطین در برابر چشمان جهان در حال محو شدن است و اسرائیل به‌دنبال نابودی هرگونه چشم‌انداز برای تشکیل دولت مستقل فلسطین است.

در این نامه که در روزنامه «لوموند» منتشر شده، دیپلمات‌ها با کنار گذاشتن ادبیات محافظه‌کارانه، اقدامات رژیم صهیونیستی را پاکسازی قومی خوانده و تأکید کرده‌اند: دو کشور ما معتقدند که مسئولان جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت باید پاسخگو باشند. تنها در این صورت است که دولت‌های ما می‌توانند اتهام استاندارد دوگانه را رد کنند. از این‌رو، آنها باید برای حفظ حقوق بین‌الملل در فلسطین با یکدیگر همکاری کنند. این نامه که به امضای ۵۲ دیپلمات فرانسوی و ۵۰ سفیر پیشین انگلیسی را زیر خود دارد، به صراحت از لندن و پاریس می‌خواهد با وضع تحریم‌های تسلیحاتی و تجاری، رژیم صهیونیستی را برای پذیرش دولت مستقل فلسطین تحت فشار قرار دهند. با این حال، این دیپلمات‌ها که سال‌ها بازوی سیاست خارجی دولت‌های خود بوده‌اند، اذعان دارند جامعه بین‌الملل اسرائیل را به عنوان یک دموکراسی به رسمیت نمی‌شناسد.

هشدار لهستان

در همین حال، رادوسلاو سیکورسکی، وزیر خارجه لهستان نیز، در اظهاراتی صریح، فاجعه انسانی غزه را عامل تضعیف حمایت عمومی حتی در کشورهای حامی رژیم اسرائیل در غرب دانسته و بر ضرورت پاسخگویی در قبال استفاده بیش از حد از زور توسط ارتش این رژیم تأکید کرد. اظهارات وی در حالی مطرح می‌شود که وزارت خارجه لهستان با احضار کاردار رژیم صهیونیستی، نارضایتی خود را از مختومه اعلام کردن پرونده حمله به کاروان آشپزخانه مرکزی جهان (WCK) در آوریل ۲۰۲۴ (فروردین ۱۴۰۳) که منجر به جان باختن یک شهروند لهستانی شد، اعلام کرده است. ورشو تأکید دارد فرار عاملان از مسئولیت قانونی و اخلاقی را نمی‌پذیرد.

واکنش به طرح شهرک‌سازی E1

در حالی که پیش‌تر فرانسه، انگلیس و ۹ کشور دیگر در بیانیه‌ای مشترک، طرح غیرقانونی شهرک‌سازی «E1» در کرانه باختری را محکوم کرده بودند؛ اکنون سازمان همبستگی کشورهای اسلامی نیز به گسترش شهرک‌سازی‌های صهیونیست‌ها واکنش نشان داد. این طرح که با هدف اتصال شهرک‌های اطراف بیت‌المقدس به یکدیگر طراحی شده، در عمل امکان تشکیل دولت مستقل و یکپارچه فلسطینی را از بین می‌برد. این سازمان طی بیانیه‌ای این اقدام را محکوم کرده و بر حق ملت فلسطین برای تشکیل کشور مستقل و دارای حاکمیت تاکید نمود.

هرچند اتحادیه اروپا و دولت‌های غربی، طرح E1 را تهدیدی جدی برای راهکار دودولتی خوانده‌اند، اما تاکنون هیچ اقدام عملی، همچون قطع روابط تجاری یا اعمال تحریم‌های بازدارنده، در دستور کار آنها قرار نگرفته است. اد میلیبند، وزیر خارجه انگلیس، در واکنش به این طرح، کاردار رژیم صهیونیستی را احضار کرد، اما در مقابل، گیدون سعار، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی، با طرد این محکومیت‌ها اعلام کرد قوم یهود همچون مردم انگلیس حق زندگی در تمامی سرزمین اسرائیل را دارند!

عیار سیاست غرب در ترازوی نسل‌کشی

گزارش‌ها نشان می‌دهد موج اخیر محکومیت‌ها و ابراز نگرانی از سوی مقامات و دیپلمات‌های غربی، بیش از آنکه ناشی از تحول در وجدان عمومی باشد، ریشه در نگرانی از تخریب وجهه بین‌المللی و افزایش فشار افکار عمومی داخلی دارد. امضای نامه توسط دیپلمات‌های سابق، آن هم در شرایطی که سازمان‌های حقوق بشری از ادامه ارسال تسلیحات به تل‌آویو خبر می‌دهند، حاکی از یک شکاف راهبردی در ساختار قدرت غرب است. با آنکه نظرسنجی‌ها حاکی از حمایت افکار عمومی غرب از فلسطینیان است، قدرت لابی اسرائیل در آمریکا و کشورهای غربی مانع از اتخاذ سیاست‌هایی شده است که به معنای واقعی به تل آویو فشار لازم را وارد کنند.

این در حالی است که کماکان واکنش کشورهای غربی به جنایات رژیم صهیونیستی، خنثی، فاقد ضمانت اجرایی و دیرهنگام است. سیاستمداران اروپایی ترجیح می‌دهند با بیانیه‌های تشریفاتی و احضار سفرا، اقدام به ایجاد وجهه در افکار عمومی کنند، اما در عمل، همچنان چراغ سبز سیاسی و نظامی به نتانیاهو برای ادامه نسل‌کشی فلسطینیان نشان می‌دهند. این رفتار دوگانه، عیار واقعی سیاست غرب را در ترازوی تاریخ به نمایش گذاشته است؛ جایی که حقوق بشر تا زمانی ارزش دارد که در مسیر منافع استعماری و خواست لابی اسرائیل قرار گیرد.

نیویورک تایمز:

وضعیت باب‌المندب می‌گوید نباید یمنی‌ها را دست کم گرفت

سرویس خارجی-

روزنامه مشهور آمریکایی با هشدار نسبت به دست‌کم گرفتن توان یمنی‌ها، تأکید کرده است که مقاومت یمن با تکیه بر موقعیت استراتژیک یمن و توانمندی‌های نظامی خود، به بازیگری اثرگذار در معادلات منطقه‌ای و امنیت کشتیرانی جهان تبدیل شده است.

روزنامه نیویورک‌تایمز در تحلیلی به قلم الکساندرا استارک نسبت به یک خطای محاسباتی مهم در قبال انصارالله یمن هشدار داده است و گفته تقلیل این جنبش به یک «نیروی نیابتی ایران» می‌تواند درک قدرت و رفتار آن را با خطا مواجه کند. استارک با اشاره به برخوردهای گذشته سیاستگذاران آمریکایی با انصارالله می‌نویسد که اگرچه یمنی‌ها از تسلیحات، آموزش و تجربه ایران بهره برده‌اند، اما منافع و محاسبات خاص خود را دارند و در بسیاری از مواقع بر مبنای همین منافع تصمیم می‌گیرند. اهمیت این ارزیابی زمانی روشن‌تر می‌شود که موقعیت جغرافیایی یمن را در کنار توانمندی‌های نظامی انصارالله قرار دهیم، نیرویی که دیگر نمی‌توان اثرگذاری آن را صرفاً در چارچوب جنگ داخلی یمن توضیح داد و تصمیماتش مستقیماً با امنیت دریایی، تجارت جهانی و معادلات منطقه‌ای گره خورده است.

باب‌المندب؛ اهرمی کوچک با اثرگذاری بزرگ

آن‌چه به یمن وزن ژئوپلیتیکی ویژه‌ای بخشیده، صرفاً تعداد موشک‌ها و پهپادهای آن نیست؛ بلکه ترکیب توانمندی نظامی با موقعیت جغرافیایی یمن است. باب‌المندب یکی از گذرگاه‌های مهم دریایی جهان در ورودی دریای سرخ است و بخش قابل‌توجهی از تجارت دریایی از این مسیر عبور می‌کند. در سوی دیگر این آبراه، کانال سوئز قرار دارد، مسیری حیاتی برای ارتباط تجاری آسیا و اروپا و انتقال انرژی به بازارهای غربی. حملات یمن در جریان آن‌چه خود «جنگ پشتیبانی از غزه» می‌خوانند، نشان داد حتی تجهیزاتی نسبتاً کم‌هزینه مانند پهپادهای یک‌طرفه، موشک‌ها و شناورهای بدون سرنشین نیز، اگر در نقطه‌ای استراتژیک به کار گرفته شوند، می‌توانند هزینه‌های سنگینی به شبکه کشتیرانی تحمیل کنند. تغییر مسیر کشتی‌ها به سمت دماغه امیدنیک، هزاران مایل دریایی به مسیر سفر می‌افزاید و هزینه بیمه و حمل‌ونقل را بالا می‌برد؛ به این ترتیب، یک بحران امنیتی در سواحل یمن می‌تواند آثار اقتصادی آن سوی جهان را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

مهارت یمنی‌ها در زمان‌بندی تنش

از نگاه نیویورک‌تایمز، مسئله فقط توانایی ایجاد اختلال نیست، بلکه نحوه استفاده یمنی‌ها از این توانایی نیز اهمیت دارد. الکساندرا استارک بر توانایی یمن در انتخاب زمان تشدید تنش و استفاده از آن برای افزایش قدرت چانه‌زنی تأکید می‌کند. همین ویژگی است که تصویر انصارالله به عنوان نیرویی صرفاً تابع تصمیمات تهران را پیچیده می‌کند. حتی اگر رابطه نظامی و سیاسی ایران و انصارالله را نادیده نگیریم، توضیح همه رفتارهای یمنی‌ها با فرمول «ایران دستور داد و یمن اجرا کرد» برای تحلیل تحولات میدانی کافی نیست. آنان در محیطی متفاوت، با اولویت‌ها و تهدیدهای خاص خود تصمیم می‌گیرند و تجربه سال‌های جنگ نیز به آنها امکان داده است میان فشار نظامی، پیام سیاسی و زمان‌بندی عملیات پیوند برقرار کنند. از این منظر، نادیده گرفتن نقش مستقل آنان می‌تواند برای هر بازیگری که قصد طراحی سیاستی در قبال یمن دارد، پرهزینه باشد.

گفتنی است، بارها، در همین صفحه روزنامه که پیش‌روی شماست تأکید شده که رابطه ایران و یمن را باید در الگوی وحدت میدان‌های مقاومت فهم کرد، نه با الگوی نیروی نیابتی و کارفرما. یمن بارها ثابت کرده است که روی پای خود ایستاده و اکنون جهانی را به هم ریخته است، اما همواره به عنوان یکی از نیروهایی عمل کرده که به آرمان مقاومت باور دارد.

تکاپوی عربستان

در این میان، واکنش رژیم سعودی به تحولات دریای سرخ خود به اندازه حملات یمنی‌ها قابل توجه است. گزارش بلومبرگ نشان می‌دهد ریاض برای انتقال نفت خام از بندر ینبع و صادرات آن از مسیر مدیترانه، از نفتکش‌هایی تحت مدیریت شرکت‌هایی از کره‌جنوبی، یونان و نروژ استفاده کرده است؛ این اقدام را می‌توان تلاشی برای کاهش وابستگی به مسیرهای در معرض تهدید باب‌المندب دانست. این وضعیت البته تناقض مهمی را برای عربستان آشکار می‌کند: کشوری که طی سال‌ها از برتری مالی، تسلیحاتی و حمایت گسترده خارجی برخوردار بوده، اکنون برای حفظ بخشی از مسیر صادرات انرژی خود ناچار است آرایش لجستیکی و مسیرهای حمل‌ونقلش را تغییر دهد!

نفت ینبع زیر سایه ناامنی دریایی

گزارش‌های تخصصی حوزه کشتیرانی نیز نشانه‌هایی از افزایش این فشار را منعکس کرده‌اند. «لویدز لیست» از کاهش حضور نفتکش‌ها در بندر ینبع عربستان پس از اعلام محاصره دریایی از سوی یمن خبر داده و پیش‌تر نیز از خاموش‌کردن سامانه‌های ردیابی دست‌کم ۱۱ نفتکش در نزدیکی این بندر گزارش کرده بود. در صورت تداوم ناامنی در دریای سرخ، عربستان برای صادرات نفت خود ناچار به استفاده بیشتر از مسیرهای جایگزین خواهد شد، مسیرهایی که معمولاً طولانی‌تر، پیچیده‌تر و پرهزینه‌ترند.

درواقع، مسئله فقط امنیت یک بندر یا چند نفتکش نیست؛ بلکه توانایی حفظ یک زنجیره صادراتی در شرایطی است که یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های دریایی منطقه در معرض تهدید قرار گرفته است.

تفاوت قدرت خرید و قدرت تولید

محمد الفرح، عضو دفتر سیاسی انصارالله، نیز از زاویه دیگر همین مسئله را برجسته کرده است. او در اظهاراتی با مقایسه توانمندی‌های نظامی صنعا و ریاض گفته است که فاصله میان دوطرف را نباید صرفاً با حجم قراردادهای تسلیحاتی سنجید، بلکه باید دید هر طرف تا چه اندازه قادر به تولید، نگهداری و توسعه مستقل توان نظامی خود است. به گفته الفرح، عربستان وابستگی قابل‌توجهی به واردات سلاح و سامانه‌های نظامی خارجی دارد، در حالی که صنعا بر توسعه ظرفیت‌های داخلی متمرکز شده است. باید توجه داشت که انباشت تجهیزات گران‌قیمت الزاماً به معنای برخورداری از استقلال نیست. اگر یک کشور برای تأمین، نگهداری، ارتقا یا حتی تصمیم‌گیری عملیاتی درباره بخشی از توان نظامی خود به شبکه‌ای از فروشندگان و شرکای خارجی وابسته باشد، در شرایط بحرانی محدودیت‌های این وابستگی آشکارتر می‌شود.

در پایان گفتنی است که ریاض همچنان زیرساخت‌های مهمی مانند خط لوله شرق-غرب و بندر ینبع را در اختیار دارد و قدرت مالی و نظامی آن با یمن قابل مقایسه نیست. اما دقیقاً همین تفاوت است که اهمیت مسئله را بیشتر می‌کند: چرا بازیگری با منابع بسیار محدودتر می‌تواند برای کشوری با چنین ظرفیت مالی و تسلیحاتی، هزینه و محدودیت ایجاد کند؟ پاسخ را باید در منطق جنگ نامتقارن، توان یمن در درک اقتضائات این سنخ جنگ و ارزش استراتژیک جغرافیای یمن جست‌وجو کرد. حوادث دریای سرخ نشان داده‌اند که کنترل کامل یک منطقه لزوماً شرط لازم برای اثرگذاری بر آن نیست؛ گاهی کافی است یک بازیگر بتواند یک گلوگاه حیاتی را ناامن و گزینه‌های رقیب را پرهزینه کند! جمع‌بندی نیویورک‌تایمز نیز بیش از آن‌که ستایشگر انصارالله باشد، هشداری درباره خطای تحلیل است. اگر یک بازیگر منطقه‌ای را صرفاً «نیروی نیابتی» ببینیم، ممکن است منافع، ظرفیت‌ها و محاسبات مستقل آن را نادیده بگیریم و در نتیجه سیاستی طراحی کنیم که بر پیش‌فرض‌های غلط بنا شده باشد.

وزارت جهاد کشاورزی
شرکت شهرک‌های کشاورزی

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای فشرده(همزمان با ارزیابی «یکپارچه»)

شرکت شهرکهای کشاورزی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی به شماره ثبت ۴۹۵۳۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۴۷۰۶۵ در نظر دارد از محل اعتبارات تملک دارائی‌های سرمایه‌ای- عمرانی(اوراق تمام یا بخشی)، انجام فراخوان موردنیاز به شرح جدول ذیل را از طریق مناقصه عمومی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی **www.setadiran.ir** برگزار و بر اساس مفاد اسناد مناقصه به متقاضیان و پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت معتبر واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست متقاضیان دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد متقاضیان و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام خواهد شد.

ردیف	نام استان	نام شهرستان	نام شهرک	موضوع مناقصه	شماره مناقصه	مبلغ برآورد پایه (میلیون ریال)	مبلغ تضمین (میلیون ریال)	صلاحیت موردنیاز	شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت
۱	اردبیل	پارس آباد	شهرک گلخانه ای مغان	عملیات اجرایی و تهیه کالا دو مورد ایستگاه TBS با ظرفیت ۲۰۰۰۰ PSI و قسمت های ورودی و خروجی ایستگاه‌های شهرک گلخانه‌ای مغان استان اردبیل	۳-۱۴۰۵(TBS) مغان	۳۳۷،۰۱۴	۱۷۰۰۰	صلاحیت کاری «حداقل پایه پنج رشته نفت و گاز» از سازمان برنامه و بودجه کشور اقدام و گواهی‌نامه‌های لازم را به انضمام اسناد مناقصه ارائه نمایند. (گواهی صلاحیت باید در زمان مناقصه معتبرباشد.)	۲۰۰۵۰۰۱۵۳۶۰۰۰۰۰۶

۱) مهلت دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ لغایت ۱۴۰۵/۰۶/۰۷ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت.
۲) مهلت ارسال پاسخ مناقصه: تا ساعت ۱۳:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۱ پیشنهاد خود را از طریق سامانه مزبور تحویل نمایند.
۳) زمان بازگشایی پیشنهادها(پاکات ارزیابی کیفی): ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز یکشنبه به تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ به آدرس بند ۶
۴) سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.
۵) به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط و مخدوش مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۶) آدرس مناقصه گزار: تهران- خیابان توحید، خیابان پرچم - پلاک ۱۸و۲۰.

دبیرخانه کمیسیون معاملات
تلفن :۹۹-۶۶۱۲۷۸۹۵

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز پارس

آگهی تجدید فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ۳۵-۱۴۰۴-۱۳۴۶نگهداری، تعمیر و انبارداری کابل و تجهیزات فیبر نوری شماره فراخوان در سامانه ستاد ۲۰۰۵۰۰۱۰۳۴۰۰۰۰۷۴ (نوبت اول)

شرکت نفت و گاز پارس (کارفرما) در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با شرایط زیر به پیمانکار ذی‌صلاح واگذار نماید:

شرح پروژه:
نگهداری، تعمیر و انبارداری کابل و تجهیزات فیبر نوری دریایی

شرایط مناقصه‌گر:
۱- داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه
۲- دارا بودن گواهینامه معتبر حداقل رتبه ۲ از شورای انفورماتیک کشور یا حداقل رتبه ۲ پیمانکاری از سازمان برنامه و بودجه در رشته ارتباطات
۳- دارا بودن تاییدیه صلاحیت از سازمان حراست شرکت ملی نفت ایران بر اساس استعلام مناقصه گزار و یا پروانه خدمات امنیتی(افتا) از مرکز مدیریت راهبردی افتای ریاست جمهوری
۴- ارایه تعهدنامه رعایت الزامات HSE در سربرگ شرکت وفق فرمت مورد تایید مناقصه‌گزار.
۵- دارا بودن ظرفیت آماده به کار آزاد با ارایه خوداظهاری در سربرگ شرکت، وفق فرمت مورد تایید مناقصه‌گزار.
۶- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۶۲،۳۸۴ یورو به صورت وجه نقد و یا ضمانت‌نامه معتبر بانکی از بانک‌های معتبر و مورد تایید کارفرما (بجز بانک پاسارگاد)، مطابق با آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۹۴
۷- ارائه اساسنامه، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبتی هیأت مدیره شرکت.
۸- ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا حسابداران رسمی ذی‌صلاح مربوط به سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به همراه تاییدیه ثبت صورتهای مالی حسابرسی‌شده در سامانه پردیس جهت تایید اصالت گزارش.

برآورد کارفرما: مبلغ ناخالص ۸۲۰،۳۸۳،۲ یورو برای مدت ۲۴ ماه می‌باشد.
نحوه دریافت اسناد استعلام: از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می گردد حداکثر سه روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم جهت دریافت اسناد و مدارک ارزیابی کیفی به نشانی اینترنتی **setadiran.ir** سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه و اسناد استعلام ارزیابی کیفی را دریافت نمایید. لازم به توضیح است که پس از انجام فرآیند ارزیابی کیفی، اسناد مناقصه میان متقاضیان واجد شرایط توزیع خواهد شد. بدیهی است ارائه مدارک هیچ گونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.
تاریخ تحویل پیشنهاد استعلام ارزیابی کیفی: چهارده روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی.
تاریخ تحویل مدارک مناقصه: تاریخ دریافت مدارک مناقصه و محل آن متعاقبا به اطلاع واجدین شرایط خواهد رسید.
آخرین مهلت تحویل پیشنهاد و تاریخ گشایش پیشنهاد: طبق تاریخ‌های مندرج در اسناد مناقصه
لازم به ذکر است پیشنهادات ارائه شده توسط مناقصه‌گران بایست تا ۳ ماه معتبر باشد.
در صورت نیاز به اطلاعات درخصوص بارگزاری مستندات در سامانه ستاد، متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن ۵ و ۸۳۷۶۲۶۰۴-۰۲۱تماس حاصل نمایند.
در صورت داشتن سؤال درخصوص اسناد استعلام ارزیابی کیفی و نحوه تکمیل آن، متقاضیان می‌توانند نسبت به ارسال نامه به شماره نمابر ۸۸۹۵۵۰۵۷-۰۲۱ اقدام نمایند.

شناسه آگهی: ۲۲۵۴۰۶۶

شرکت نفت و گاز پارس
روابط عمومی

کیهان
روزنامه صبح
صاحب امتیاز: شرکت چاپ و انتشارات کیهان
(مؤسسه کیهان)
مدیر مسئول و سردبیر: حسین شریعتمداری
تلفن: ۳۵۲۰۰ و ۹-۳۳۱۱۰۲۵۱
کیهان و خوانندگان۳ تا ۶ عصر: ۳۳۱۱۰۰۶۵
ارتباط با ما در پیامرسان‌های ایتا و بله:
@kayhannewspaper
صفحات وب: www.kayhan.ir
کد پستی: ۱۱۴۴۸۳۱۵۹۹
صندوق پستی: ۱۱۱۵۵/۳۶۳۱
تهران - خیابان فردوسی کوچه شهید شاهچراغی